

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 20, No. 5, Summer 2020, 49-72  
Doi: 10.30465/crtls.2020.29367.1713

## A Critical Review *Philosophy of Psychology*

Fatemeh Javadzadeh Shahshahani\*

### Abstract

After the approval of the title of “Philosophy of Science in Psychology” as a two-credit course for undergraduate university students of psychology, several textbooks were developed with a similar title. The most recent textbook, by Dr. Khosro Bagheri was published by the Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities. Taking these two points into consideration, the current book is introduced and evaluated; however, its modification and completion in the next edition will certainly provide an opportunity for a unique textbook to be developed in philosophy of psychology. In the present study, after the introduction of different chapters of “*Philosophy of Psychology Science*”, the book is evaluated from several angles, including (the appearance, title, consistency with the approved course of this credit, appropriateness with the approved syllables of the relevant courses, and the appropriateness of books with similar books). The evaluation result indicate that the present book “*Philosophy of Psychology Science*” which is written by Khosro Bagheri, as a textbook of “Philosophy of Psychology Science”, has many advantages; however, it revision in the next edition in terms of name, volume, chapter numbers, title and content, is needed in order for it to be matched well with the developed topics for this course. Finally, one suggestion would be offered, improving the philosophy of psychology science course and some reasons for that.

**Keywords:** Philosophy of Psychology, Textbook, Critical Review, Khosro Bagheri, Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities.

---

\* Assistant Professor, Department of Counseling, Khomeini Shar Branch, Islamic Azad University, Khomeini Shar, Esfahan, Iran, javadzadeh@iaukhsh.ac.ir

Date received: 2020-03-18, Date of acceptance: 2020-06-07

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## فلسفه علم روان‌شناسی در بوته نقد

فاطمه جوادزاده شهشهانی\*

### چکیده

پس از تصویب عنوان «فلسفه علم روان‌شناسی» به‌منزله درسی دوواحدی در مقطع کارشناسی رشته روان‌شناسی<sup>۱</sup> چندین کتاب با این عنوان تدوین شد. نویسنده و ناشر یکی از جدیدترین این کتاب‌ها خسرو باقری و سازمان سمت است. این دو ویژگی ایجاب می‌کند که این کتاب معرفی و ارزیابی شود تا با اصلاح و تکمیل آن در ویرایش‌های بعدی، زمینه دست‌یابی به کتاب درسی منحصربه‌فردی در باب درس فلسفه روان‌شناسی فراهم آید. در این مقاله پس از معرفی فصول کتاب *فلسفه علم روان‌شناسی*، این کتاب از چند زاویه (شکل ظاهری، عنوان، تناسب کتاب با سرفصل مصوب این درس، نسبت محتوای این کتاب با سرفصل دروس مرتبط، تناسب بخش‌های مختلف کتاب، محتوای کتاب، و تناسب کتاب با کتاب‌های مشابه) ارزیابی می‌شود. نتیجه ارزیابی نشان می‌دهد، در حال حاضر کتاب *فلسفه علم روان‌شناسی* خسرو باقری، در جایگاه کتاب درسی «فلسفه علم روان‌شناسی»، مزیت‌هایی دارد، اما لازم است در ویرایش بعدی در نام کتاب، حجم آن، تعداد فصول، عنوان، و محتوای هر فصل بازنگری شود تا کتاب تناسب بیشتری با سرفصل‌های تدوین‌شده پیدا کند. در انتها پیش‌نهادی برای ارتقای کیفیت سرفصل مصوب این درس و دلایل ارائه این پیش‌نهاد مطرح می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** فلسفه علم روان‌شناسی، کتاب درسی، نقد، خسرو باقری، سازمان سمت.

\* استادیار گروه مشاوره، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی‌شهر، اصفهان، ایران  
javadzadeh@iaukhsh.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸

## ۱. مقدمه

آشنایی با فلسفه و تاریخ هریک از شاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی می‌تواند زمینه مناسبی برای تحول در این علوم ایجاد کند. این موضوع در حدود نیم‌قرن پیش از جانب اندیشمندی از جمله سیدحسین نصر مطرح شد و اقدامات فردی و گروهی در این زمینه در قالب ترجمه و تألیف کتاب و مقاله انجام شد. اما تا سال ۱۳۷۶، که گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف تشکیل شد و سال‌های بعد از آن که گروه‌هایی هم‌چون فلسفه و تاریخ علم، فلسفه علم و فناوری، و مطالعات علم در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی دیگری هم‌چون واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه امیرکبیر، و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران تشکیل شد، هیچ مرکزی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری متولی این موضوع نبود. باوجود تشکیل گروه‌های متعدد فلسفه و تاریخ علم در کشور، این گروه‌ها به چند دلیل نتوانسته‌اند تأثیر چندانی در عرصه علوم انسانی و اجتماعی داشته باشند:

- این گروه‌ها عمدتاً فلسفه و تاریخ علوم طبیعی، ریاضی، و زیستی را بررسی می‌کنند؛
- ارتباطی میان این گروه‌ها و دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی برقرار نشده است؛
- دروس فلسفه و تاریخ علم در دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی یا تدریس نمی‌شود یا جزء دروس فرعی قلمداد می‌شود.

در این بین، در ارتباط با فلسفه علوم انسانی و اجتماعی برخی از شاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی نظیر جامعه‌شناسی و علوم سیاسی وضعیت بهتری دارند؛ زیرا اساتید بیش‌تری در این بحث درگیرند و کتاب‌های متعددی به زبان فارسی در این زمینه تألیف شده است. درمقابل، برخی دیگر از شاخه‌های علوم انسانی نظیر روان‌شناسی در این زمینه وضعیت مطلوبی ندارند که نشانه آن کتاب‌ها و مقاله‌های ترجمه‌ای و تألیفی بسیار اندک به زبان فارسی در زمینه فلسفه روان‌شناسی است.

با جست‌وجو در سامانه کتاب‌خانه ملی چند کتاب زیر با عنوان «فلسفه روان‌شناسی» یا «فلسفه علم روان‌شناسی» یافت شد:

۱. بونژه، ماریو و روبن آردیلا (۱۳۹۸)، *فلسفه روان‌شناسی و نقد آن*، ترجمه و نقد محمدجواد زارعان و دیگران، چاپ دوازدهم (چاپ اول ۱۳۸۸)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۷۴۶ صفحه وزیری؛
۲. دلقندی، حسن (۱۳۹۸)، *فلسفه علم روان‌شناسی*، مشهد: تاک کتاب، ۱۲۰ صفحه؛

۳. سلیمانی آملی، حسین (۱۳۹۸)، *فلسفه علم روان‌شناسی*، تهران: زوار، ۹۰ صفحه؛
  ۴. عبدالملکی، سعید (۱۳۹۷)، *فلسفه علم روان‌شناسی*، تهران: طلایی، ۲۶۴ صفحه؛
  ۵. حسینی، سیدسلیمان و عبدالخالق فلاحی (۱۳۹۵)، *فلسفه علم روان‌شناسی*، زاهدان: تجربه نو، ۱۴۴ صفحه؛
  ۶. عقیلی آشتیانی، مجتبی (۱۳۹۱)، *فلسفه علم روان‌شناسی*، گرگان: مختومقلی فراغی، ۱۱۷ صفحه؛
  ۷. میرتبار درزی، سیدتراب (۱۳۹۵)، *راه‌نما و بانک سؤالات امتحانی فلسفه روان‌شناسی و نقد آن*، تهران: خردمندان، ۴۹۶ صفحه؛
  ۸. گروه مؤلفان محام (۱۳۹۶)، *فلسفه علم روان‌شناسی*، کرج: دانش محام (در توضیح این کتاب ۲۵ صفحه‌ای که دربردارنده پرسش و پاسخ است، در پایگاه کتاب‌خانه ملی آمده است: این کتاب براساس کتاب *فلسفه روان‌شناسی و نقد آن* (زارعان و حقانی) تدوین شده است)؛
  ۹. رخه، زینب و محمدرضا تعویقی (۱۳۹۶)، *فلسفه علم روان‌شناسی*، کرج: مهاتما گاندی (این کتاب ۶۰ صفحه‌ای گردآوری پرسش و پاسخ‌های آزمون فلسفه علم روان‌شناسی است)؛
  ۱۰. عباسی، یاسمین (۱۳۹۶)، *فلسفه علم روان‌شناسی*، کرج: بیدار (این کتاب ۷۹ صفحه‌ای در سال ۱۳۹۸ تجدید چاپ شده است و به سؤالات امتحانی فلسفه علم روان‌شناسی اختصاص دارد)؛
  ۱۱. وحیدی، نغمه و زینب اصالتی (۱۳۹۸)، *کتاب طلایی فلسفه علم روان‌شناسی*، تهران: مؤلفان طلایی، ۱۲۰ صفحه.
- کتاب‌های ۷ تا ۱۱، که طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۸ منتشر شده‌اند، به‌منظور آشنایی دانشجویان با پرسش‌های آزمون فلسفه علم روان‌شناسی تألیف شده‌اند. تاریخ نشر کتاب‌های ۲ تا ۱۱ نیز نشان می‌دهد که این کتاب‌ها به‌واسطه تصویب درس فلسفه علم روان‌شناسی در سال ۱۳۹۱ تألیف شده‌اند.
- اخیراً کتاب دیگری با عنوان *فلسفه علم روان‌شناسی* به قلم خسرو باقری تدوین شده که انتشارات سمت آن را منتشر کرده است. با توجه به مقام علمی باقری (استاد تمام دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران) و فعالیت‌های چندین‌ساله وی در زمینه فلسفه علوم انسانی و هم‌چنین ناشر کتاب، که متولی تدوین کتب درسی علوم انسانی دانشگاهی

است، نویسنده در این مقاله با توجه به عدم امکان ارزیابی هم‌زمان کتاب‌های ذکر شده در بالا، صرفاً این کتاب را بررسی و نقد می‌کند. به این ترتیب، این مقاله می‌تواند بستری برای ارزیابی و مقایسه تطبیقی سایر کتاب‌های درسی تألیف شده در زمینه فلسفه روان‌شناسی فراهم آورد.

در این مقاله پس از معرفی مختصر کتاب، آن را از چند زاویه بررسی خواهیم کرد:

۱. شکل ظاهری کتاب؛

۲. عنوان کتاب؛

۳. تناسب کتاب با سرفصل مصوب این درس؛

۴. تناسب محتوای این کتاب با سرفصل دروس مرتبط؛

۵. تناسب بخش‌های گوناگون کتاب؛

۶. محتوای کتاب؛

۷. تناسب کتاب با کتاب‌های مشابه.

## ۲. معرفی کتاب

کتاب *فلسفه علم روان‌شناسی* نوشته خسرو باقری نوع‌پرست را سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) در قالب ۱۹۰ صفحه ویرایی، به تعداد پانصد نسخه در تابستان ۱۳۹۸ منتشر کرده است. ویراستار این کتاب نسیم ترهنده است. در سخن سمت آمده است: «کتاب حاضر برای دانشجویان رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی به‌منزله منبع درس 'فلسفه علم روان‌شناسی' به ارزش دو واحد تدوین شده است» (ص ۴). این کتاب شامل مقدمه، سه بخش، دوازده فصل، سخن آخر، فهرست مطالب، فهرست شکل‌ها، و فهرست منابع است.

در مقدمه، نویسنده به دغدغه دیرینه آدمی در خودشناسی و انگیزه‌های وی در این زمینه و شیوه‌های خودشناسی اشاره می‌کند. سپس شکل‌گیری روان‌شناسی جدید در اواخر قرن نوزدهم و تمایز آن از علم‌النفس برمبنای تمایز روش تجربی از روش عقلی را بررسی می‌کند و مکاتب مختلف روان‌شناسی جدید را برمی‌شمارد. به نظر وی، تأمل در مکاتب مختلف روان‌شناسی این نکته را نمایان می‌کند که روان آدمی بسیار پیچیده‌تر از آن است که با پرده برداشتن از یک جنبه آن بتوان شناخت کامل آن را ادعا کرد (ص ۳) و بر همین اساس گفت‌وگوی میان مکاتب مختلف روان‌شناسی و روان‌شناسی با دیگر رشته‌های علوم

انسانی و اجتماعی و از جمله فلسفه اجتناب‌ناپذیر می‌شود. گفت‌وگوی میان فلسفه و روان‌شناسی پرسش‌هایی را برای روان‌شناسی پدید می‌آورد:

- آیا روان‌شناسی علم است؟

- موضوع روان‌شناسی چیست؟

- موضوع روان‌شناسی را به چه روشی باید مطالعه کرد؟

- چه کاربردهایی را از روان‌شناسی می‌توان انتظار داشت؟ (ص ۴)

در فصل اول از بخش اول (مفاهیم اساسی) نویسنده مفهوم فلسفه، علم، و رابطه آن دو را توضیح می‌دهد. وی پس از اشاره‌ای کوتاه به تلقی دانشی یونان باستان و قرون وسطی از فلسفه، تلقی روشی از فلسفه در عصر جدید را بررسی می‌کند که فیلسوفانی هم‌چون کانت و ویتگنشتاین مطرح کرده‌اند و به شش ویژگی فلسفه اشاره می‌کند. سپس چالش‌های مرتبط با چیستی علم تجربی را بیان کرده است و پس از بیان رویکردهای خام و ابتدایی و حداکثری نسبت به نقش تجربه در علم، به رویکردی حداقلی درباره نقش تجربه در علم برای جداکردن علم از سایر دانش‌ها مانند افسانه و فلسفه بسنده می‌کند. در ادامه دو نوع رابطه میان فلسفه و علم بررسی می‌شود (که در یکی فلسفه مبانی و مبادی علم را تدارک می‌بیند و در دیگری فلسفه و علم دو دانش درهم‌تنیده قلمداد می‌شوند که تفاوت ماهوی بین آن‌ها نیست و هریک می‌تواند در دیگری تأثیر داشته باشد) و قوت‌ها و ضعف‌های این دو دیدگاه معرفی می‌شود. باقری در ادامه سه استعاره برای رابطه فلسفه و علم، یعنی فلسفه به‌منزله ملکه علوم (به این معنا که فلسفه مبانی و مبادی اعتبار علم را تدارک می‌بیند)، فلسفه به‌منزله مادر علوم (به این معنا که همه علوم در ابتدا از دامن فلسفه پدید آمده‌اند و سپس مستقل شده‌اند)، و فلسفه به‌منزله خادم علوم (به این معنا که فلسفه فقط عهده‌دار حل مسائلی است که علوم پدید می‌آورند) را تشریح و قوت‌ها و ضعف‌های این سه دیدگاه را بیان کرده است. در پایان، نویسنده به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا اعتقاد به نقش‌آفرینی فلسفه و ویژگی‌های فردی و اجتماعی در فرایند علم‌ورزی، عینیت علم را به‌چالش نمی‌کشد و در پاسخ به این نکته اشاره می‌کند که در علم‌ورزی ناگزیر (خواسته یا ناخواسته و آگاهانه یا ناخودآگاه) این عوامل تأثیرگذارند و موجب می‌شوند که هر محقق از منظر خاصی واقعیت را به‌تصویر کشد و آنچه عینیت علم را تأمین می‌کند این است که به‌هر حال واقعیت هم در این تصویر نقش و جایگاهی دارد، همان‌طور که بین عکسی که عکاس‌های مختلف با منظرهای مختلف از یک واقعیت ثبت می‌کنند با نقاشی کاملاً تخیلی تفاوت است.

عنوان فصل دوم از بخش اول «فلسفه علم و فلسفه علم روان‌شناسی» است. در این فصل، نویسنده چستی فلسفه علم و به‌طور خاص فلسفه علم روان‌شناسی به‌منزله دانش مرتبه دوم را بیان می‌کند. در ادامه، این بحث که فلسفه روان‌شناسی گسترده‌تر از فلسفه علم روان‌شناسی است مطرح و به معانی دیگری از جمله فلسفه ذهن و روان‌شناسی فلسفی نیز اشاره می‌شود. محورها یا ابعاد فلسفه علم روان‌شناسی در سه قسمت (موضوع و تاریخچه روان‌شناسی، روش پژوهش در روان‌شناسی، و هدف این علم) بررسی شده است. در ادامه درباره نقش فلسفه روان‌شناسی در فهم عمیق‌تر نظریه‌های روان‌شناسی و اهمیت مباحث بین‌رشته‌ای در علوم مختلف بحث می‌شود.

در فصل سوم (از حالات روان‌تنی تا آگاهی)، که اولین فصل از بخش دوم کتاب (موضوع روان‌شناسی) است، نویسنده ابتدا سنت روان‌جسمی یا روان‌تنی را معرفی کرده است. طرح دیدگاه تداعی‌گرایی، دیدگاه فروکاهشی، اصل ثبات انرژی، وجود ایده‌هایی فطری در درون انسان، که پس از هم‌بستگی با دریافت‌های حسی از بیرون، از طریق استنباط ناخودآگاه به ادراک‌های پیچیده تبدیل می‌شوند و اشاره به برخی صاحب‌نظران این دیدگاه‌ها در ادامه این فصل آمده است. هم‌چنین به دیدگاه کانت اشاره شده است که معتقد بود روان‌شناسی را نمی‌توان علمی تجربی (مانند علوم طبیعی تجربی که کاملاً از روش کمی استفاده می‌کنند) محسوب کرد، هرچند انجام پژوهش‌های تجربی و کمی را در عرصه روان انسان ممکن می‌دانست. طرح دیدگاه‌های وونت، مؤسس آزمایشگاه روان‌شناسی، از جمله تأکید او بر آگاهی به‌منزله موضوع روان‌شناسی، ترکیب خلاق در ترکیب‌های روان‌شناختی به این معنی که عناصر قبل و بعد از ترکیب تجزیه‌پذیر نیستند و جداگانه وجود ندارند، چالش و نقد روان‌شناسی آگاهی و دیدگاه گشتالتی درباره سنت روان‌جسمی و طرح خصیصه پیکربندی و ویژگی کل‌نگرانه دریافت در دیدگاه وونت از مباحثی است که نویسنده در این فصل به‌اختصار بیان کرده است.

فصل چهارم «ضمیر ناخودآگاه هم‌چون موضوع روان‌شناسی» است. نویسنده در این فصل به تحولات بعد از جنگ جهانی اول و دوم، موج هنر جدید و ابراز احساسات و هیجان‌ها در این زمان، و هم‌چنین در عرصه روان‌شناسی به چرخش از خودآگاه به ناخودآگاه اشاره می‌کند. در ادامه، نویسنده بر نظریه فروید تمرکز و خصوصیات ناخودآگاه انسان را از نگاه وی بیان کرده است. سپس الگوی جدید فروید برای تقسیم روان انسان به سه بخش او، من، و فرامن و برخی دیدگاه‌ها درباره این الگو را مطرح کرده است. در ادامه، نویسنده دیدگاه‌های برخی صاحب‌نظران درباره نظریه فروید را ارائه کرده است،



از جمله این‌که برخی اشاره فروید به تحلیل رؤیا پس از خواب مصنوعی را چرخش وی از علوم طبیعی به علوم انسانی و دیدگاه هرمنوتیکی دانسته‌اند و برخی تمام این اختلاف‌نظرها را به ابهام در این نظریه اطلاق کرده‌اند و این‌که تجزیه‌هایی که از جانب فروید در ساختار روان آدمی ایجاد شده و مکانیسم‌های دفاعی او همگی بر غیرعقلانی بودن انسان از نظر او اشاره دارد.

نویسنده در فصل پنجم ساختار ذهن را موضوع روان‌شناسی معرفی کرده است. به این ترتیب، محتوای این فصل بر روان‌شناسی گشتالت تمرکز دارد و برخی مفاهیم از جمله گشتالت، پیکربندی، پرگنانتس (ایجاد گشتالت بین اجزای متفرق برای رسیدن به تعادل براساس اصول مجاورت و مشابهت)، آمایه، و فراگذاری معرفی شده‌اند. در ادامه انتقادات برخی متفکران به این رویکرد، از جمله نظر به فروگاهشی بودن آن، مطرح شده است.

فصل ششم تکوین ساختار ذهن به منزله موضوعی روان‌شناسی را مطرح کرده است. در این فصل نظریه پیازه بررسی، تحلیل، و نقد شده است. شباهت این نظریه با رویکرد گشتالت (که در فصل قبلی مطرح شده) بررسی ذهن دانسته شده است با این تفاوت که پیازه مراحل تحولی ساختار ذهن را بررسی می‌کند. چگونگی تأثیرپذیری پیازه از کانت مانند موضوع طرح‌واره‌های ذهنی و مفهوم زمان، مکان، و علیت، هم‌چنین ترکیب ساختارگرایی و سازه‌گرایی برای بررسی چگونگی تکوین ذهن و عدم امکان کاهش ساختارهای ریاضی و منطقی ذهن به اعمال تجربی از جمله مفاهیمی‌اند که نویسنده از نظریه پیازه مطرح می‌کند. سپس برخی نقدهای طرح‌شده به این نظریه، از جمله ابهام در تضاد بین تعامل‌گرایی سازه‌گرایانه با محیط و روند رشدی ثابت ذهن، غفلت از نقش زبان، تکوینی نبودن معرفت‌شناسی انسان، و ابهام در معیار دانش از نظر پیازه بیان می‌شود. عنوان فصل هفتم «رفتار هم‌چون موضوع روان‌شناسی» است. در این فصل رفتار به منزله عاملی عینی و قابل اندازه‌گیری در مقابل حالات روانی و درونی، که خصوصی و مشاهده‌ناپذیرند، دلیل توجه رفتارگرایان به این موضوع مطرح شده است. طرح دیدگاه واتسن، نوررفتارگرایی، و رفتارگرایی رادیکال اسکینر از جمله مباحث این فصل است. در ادامه این فصل، مبنای فکری رفتارگرایی در این‌که حالات ذهنی و روانی موجودیت مستقلی ندارند و فقط مجموعه پیچیده‌ای از قابلیت‌های رفتاری‌اند، نقد شده است. مهم‌ترین نقد یکی دانستن دوگانه‌گرایی و ذهنی‌گرایی و نفی هر دو این‌ها از جانب رفتارگرایی است که به تفصیل درباره آن بحث شده است.

نویسنده در فصل هشتم یکی از جریان‌های مهم در روان‌شناسی یعنی شناخت‌گرایی را معرفی و از آن به‌منزله جریان غالب در نیمه دوم قرن بیستم در مقابل جریان رفتارگرایی، به‌منزله جریان غالب در نیمه اول قرن بیستم، یاد کرده است. روان‌شناسی گشتالت و مفهوم طرح‌واره از دیدگاه پیازه در بسط این رویکرد مؤثر بودند. فرایند پردازش اطلاعات، که مورد توجه شناخت‌گراهاست، و هم‌زمان محرک‌های درون‌داد اطلاعاتی و طرح‌واره‌ها، توجه به فرایند ناخودآگاه ذهنی، و فطری بودن امور ذهنی در این فصل مطرح شده است. طرح موضوع دربارگی در امور ذهنی مانند تخیل، تفکر، احساس، هیجان، و ادراک از مباحث دیگر این فصل است. در ادامه، نویسنده چالش بین دیدگاه‌های مختلف در این باره که آیا روان‌شناسی شناختی در روان‌شناسی انقلابی ایجاد کرده یا نه و دلایل آن‌ها را بیان کرده است. در ضمن این مطلب، موضوع آگاهی و تفاوت آن با سایر امور ذهنی مورد بحث در این رویکرد مطرح شده است. آگاهی فطری بودن امور ذهنی، که هنوز مورد بحث نظریه‌پردازان است، و چالش امور ذهنی برای طبیعی‌گرایان و برخی ابهام‌ها در این موارد در انتهای فصل آمده است.

فصل نهم رویکرد جدیدی در اواخر قرن بیستم با عنوان عصب روان‌شناختی را مطرح کرده است. در این دیدگاه، شناخت‌گرایی رویکردی کهنه معرفی می‌شود و تمام موضوعات روان‌شناختی انسان به تبیین‌های عصب‌شناختی فروکاسته می‌شود. نویسنده دو نوع نقد از منظر نوظهورگرایی و نقد از منظر تجربه‌های ذهنی اول شخص به این رویکرد را مطرح می‌کند. در دیدگاه نوظهورگرایی حالات روانی از جمله آگاهی قابل فروکاستن به ماده نیست، بلکه خصیصه‌های نوظهور در ماده‌اند که در مغز به ظهور می‌رسند. در نقد دوم این موضوع مطرح می‌شود که هر ادراک یا آگاهی که از سوی خود فرد تجربه می‌شود، با صرف دانستن فعل و انفعالات به آن یکی منجر نیست.

بخش سوم این کتاب در سه فصل موضوع روش پژوهش در روان‌شناسی را مطرح می‌کند. در مقدمه این بخش روش تفسیری فروید و برخی انتقادات به آن، روش شناخت‌گراها که شبیه روش رفتارگراهاست، و روش عصب روان‌شناختی مطرح شده است. در فصل‌های بعدی روش درون‌بینی، روش مشاهده بیرونی رفتارگراها، و روش تجربی - منطقی روان‌شناسی تکوینی بررسی می‌شود.

فصل دهم روش درون‌بینی وونت را مطرح می‌کند. در ارائه این بحث، نویسنده به سابقه روش درون‌بینی در مذهب یا در رویکردهای ذهن‌گرایانه اشاره کرده است و انتقادهای وارد به آن را برای به‌کاربردن در علوم تجربی مطرح می‌کند. سپس چگونگی روش‌مند شدن آن

از جانب وونت را بررسی می‌کند، به طوری که بتواند در صحنه علم تجربی روان‌شناسی ایفای نقش کند. پس از آن مواجهه رفتارگراها با روش درون‌بینی بیان می‌شود که به نوعی شبیه جنگ صلیبی بوده است. زیرسؤال رفتن روایی، اعتبار، و مفیدبودن این روش بحث بعدی نویسنده است. ضمن این که مدافعان این روش قائل‌اند که با انجام اصلاحاتی توانسته‌اند بر مشکلات یادشده فایق آیند.

نویسنده در فصل یازدهم با عنوان «روش مشاهده رفتاری» به سه رویکرد در این روش اشاره کرده است. در رویکرد اول، درون‌بینی و خودمشاهده‌گری کاملاً حذف شده است و الگوی محرک - پاسخ بدون توجه به امور درونی ارگانسیم بررسی می‌شود. در رویکرد دوم، نورفتارگرایی الگوی محرک - ارگانسیم - پاسخ را جای‌گزین کرده است. هم‌چنین نویسنده الگوی فرضیه‌ای - قیاسی موردقبول رویکرد سوم را ارزیابی کرده است.

فصل دوازدهم روش تجربی - منطقی را در روان‌شناسی تکوینی بررسی می‌کند. پیازه ترکیبی از روش‌های درون‌بینی وونت، مشاهده رفتاری رفتارگرایان، استفاده از آزمون آلفرد بینه، و روش بالینی روان‌پزشکان را به کار گرفته است که نویسنده در این فصل دیدگاه وی درباره هریک از این روش‌ها و چگونگی ترکیب آن‌ها را مطرح کرده است. در ادامه مشکلات درون‌بینی صرف در دیدگاه و روش تجربی - منطقی پیازه و برخی نقدهای دیگر مطرح می‌شود.

نویسنده در «سخن آخر» آینده روان‌شناسی را مطرح می‌کند. در این قسمت، ابتدا شکوه راسل به روان‌شناسی معاصر مطرح می‌شود، با این عنوان که هیچ نظریه روان‌شناسی عرصه کامل موجودیت انسان را بررسی نمی‌کند و روان‌شناسی مطلب جدیدی بر علم خود نمی‌افزاید جز بازگویی آنچه از قبل به آن باور داشته است. در ادامه، دیدگاه‌های مختلف از نظر مبنای فلسفی و علمی مطرح می‌شود که هر کدام از زاویه خاص خود به واقعیت انسان نگریسته است و در نهایت نویسنده بیان می‌کند که نگاه یک‌پارچه به انسان با در نظر گرفتن دو جنبه ذهنی و عینی در او می‌تواند کامل‌تر باشد. هر چند دیدگاه یک‌پارچه خود از نظر وزن‌دهی به ابعاد مختلف می‌تواند رویکردهای متفاوتی ایجاد کند.

### ۳. ارزیابی ظاهری کتاب

همان‌طور که اشاره شد، کتاب *فلسفه علم روان‌شناسی* در قالب ۱۹۰ صفحه در قطع وزیری چاپ شده است. جنس کاغذ کتاب گاهی، سبک‌وزن، و برای مطالعه کاملاً مناسب است.

تعداد فصول و صفحات کتاب برای یک درس دوواحدی در مقطع کارشناسی تا حدودی مناسب است. البته با توجه به اختصاص پانزده الی بیست صفحه برای هر درس در حدود چهارده جلسه درسی، لزوم طرح برخی از مباحث مطابق سرفصل مصوب (که در ادامه به آن اشاره می‌شود)، اضافه شدن صفحاتی در قالب اهداف درس، پرسش‌هایی برای تحقیق بیشتر، و... شایسته است در ویرایش بعدی تعداد فصول کتاب به چهارده فصل و تعداد صفحات کتاب به حدود ۲۵۰ صفحه افزایش یابد.

نوع قلم متن برای عناوین بخش‌ها، پانوشت‌ها، و... مناسب است و کتاب صفحه‌آرایی و صحافی مناسبی دارد.

قیمت کتاب (هفده هزار تومان) برای این کتاب درسی مناسبی است و دانشجویان به راحتی می‌توانند آن را تهیه کنند.

با توجه به کثرت دانشجویان روان‌شناسی، رسمیت یافتن درس فلسفه علم روان‌شناسی، و هم‌چنین اعتبار نویسنده کتاب در مجامع علمی، به نظر می‌رسد چاپ کتاب به تعداد ۵۰۰ نسخه بسیار اندک است.

درباره عناوین فصل‌ها در بخش دوم لازم است به این نکته توجه شود که در تمام عناوین فصل‌های ۴ تا ۹ و در عنوان قسمت اول فصل ۳، واژه «هم‌چون» آمده است؛ برای مثال «هم‌بستگی‌های روان‌تنی هم‌چون موضوع روان‌شناسی» یا «تکوین ساختار ذهن هم‌چون موضوع روان‌شناسی». به نظر می‌رسد که کاربرد واژه هم‌چون باعث شده عناوین فصل‌ها برای خواننده غریب باشد. بهتر است عناوین فصل‌ها چنین تغییر یابد: «هم‌بستگی‌های روان‌تنی: یک موضوع روان‌شناسی» یا سایر موارد به همین صورت.

برای کتاب درسی طرح اهداف درس در آغاز هر فصل و پرسش‌هایی برای تحقیق در پایان هر درس می‌تواند به درک بهتر مطالب کتاب درسی کمک کند. شایسته است این موضوع در ویرایش بعدی کتاب مدنظر قرار گیرد.

در نسخه کنونی، فصل اول بدون هیچ‌گونه توضیحی پس از عنوان بخش اول آمده است. اولین فصل از بخش دوم با یک صفحه مطلب با عنوان «در یک نگاه» آغاز شده است. اولین فصل از بخش سوم کتاب نیز با چهار صفحه مطلب با عنوان «مقدمه: مروری بر برخی از روش‌های پژوهش روان‌شناختی» آمده است. به نظر می‌رسد رعایت هماهنگی بخش‌ها و فصول کتاب شکل کلی کتاب را پسندیده‌تر می‌کند.

بخش دوم کتاب با طرح گفت‌وگویی ساختگی میان یک دوگانه گرا، یک فیزیکی‌نگر، و یک کارکردگرا آغاز شده است. استفاده از این قالب در آغاز هر درس از ابزارهایی است که

می‌تواند زمینه را برای فهم بهتر مباحث آن درس فراهم کند. به‌خصوص درباره بحث فلسفه روان‌شناسی، از آن‌جا که دیدگاه رایجی فلسفه را دانشی صرفاً انتزاعی قلمداد می‌کند، برای این‌که نشان داده شود، پرسشی که قرار است در این درس پاسخ داده شود، از دل مباحث روان‌شناسی استخراج شده، بیان چنین گفت‌وگوهای ساختگی‌ای بسیار مفید است. شایسته است در ویرایش بعدی کتاب، بخش اول و سوم کتاب نیز با همین قالب آغاز شود. در فصل اول، می‌توان گفت‌وگویی میان سه نفر (طرف‌داران رویکرد ملکه‌ای، مادری، و خادمی فلسفه برای علوم) و در بخش سوم گفت‌وگویی میان طرف‌داران روش‌های مختلف تحقیق در روان‌شناسی طراحی کرد. ملاحظه دیگر در این باره آن‌که شایسته است پس از طرح گفت‌وگوی ساختگی، به‌اختصار توضیح داده شود که چگونه قرار است با مباحث آن بخش ابعاد مختلف این گفت‌وگو بررسی شود. هم‌چنین پیش‌نهاد می‌شود روش‌های پژوهش طرح‌شده در مقدمه بخش سوم در قالب یک فصل مجزا با توضیحات کامل‌تر درباره روش‌ها به ابتدای بخش سوم اضافه شود.

ویراستاری و نمونه‌خوانی کتاب به‌خوبی انجام شده است، به‌گونه‌ای که به‌ندرت می‌توان اشکالات تایپی یا ویرایشی در متن مشاهده کرد. برخی از معدود اشکالات تایپی یا ویرایشی کتاب به شرح زیر است:

صفحه ۹: تاریخ تولد و فوت ویتگنشتاین درج نشده است. این مشکل درباره برخی دیگر از اسامی نیز در کتاب دیده می‌شود؛

صفحه ۱۴: در جمله «این تعبیر، از جمله، حاکی از آن است...»، «از جمله» اضافی به‌نظر می‌رسد؛

صفحه ۲۰: نام لاتین گوتلوب فرگه در پانویشت نیامده است. این اشکال درباره برخی دیگر از اسامی نیز در کتاب دیده می‌شود؛

صفحه ۲۱: شیوه نگارش لاتین اسامی تامس کوهن و گوردون آلپورت در پانویشت یک‌سان نیست. این مشکل در صفحات دیگر کتاب نیز دیده می‌شود. نام کوچک باید همه‌جا یک‌دست، کامل یا اختصاری، درج شود؛

صفحه ۳۰: در جمله «... در اثر حاضر نیز به همین معنای عمده توجه نشده است...» (صحیح: توجه شده است)؛

صفحه ۳۷: زیرنویس‌های انگلیسی ناقص است. مثلاً: هرمان فون هلمهولتز (در صفحه ۳۹ آمده که باید به این‌جا منتقل شود) و ایدئالیسم آلمانی نیامده است. در همین صفحه واژه‌های عصب‌تن‌شناختی، ایدئالیسم، روان‌جسمی، و روان‌تنی زیرنویس نشده‌اند؛

- صفحه ۳۸: تاریخ تولد و مرگ برتانو پس از اولین استفاده از نام وی در متن باید بیاید. این اشکال در چند مورد دیگر نیز در کتاب دیده می‌شود؛
- صفحه ۵۲: در جمله «... مطالعه فیزیکی و فیزیولوژیک...»، فیزیولوژیکی صحیح است؛
- صفحه ۱۰۵: ارجاع بند دوم (ص ۲۳۰) آمده، اما نام نویسنده و سال منبع درج نشده است؛
- صفحه ۱۴۳: در جمله «براساس آنچه گفته شد، از این روست که...» در این جمله «از این روست که» اضافی است؛
- صفحه ۱۵۰: در جمله «یکی از عواملی که روایی و تکرارپذیری روش درون‌بینی را نشان می‌دهد، وجود تفاوت‌های فردی است...»، به جای «نشان می‌دهد» باید «به چالش می‌کشد» بیاید؛
- صفحه ۱۵۰: در جمله «در نتیجه اگر یک روان‌شناس آزمون واحدی را با این روش انجام می‌دهد...»، «انجام دهد» صحیح است؛
- صفحه ۱۵۱: جمله «به اعتبار روش درون‌بینی، از این جهت نیز حمله شده است که حامیان این روش را مدعی بدون پشتوانه دست‌یافتن به دانش بی‌واسطه، شهودی، و استوار دانسته‌اند...»، مبهم است و به بازبینی نیاز دارد؛
- صفحه ۱۵۲: در جمله «پاسخ کوستال به این نقد که روش درون‌بینی ما را به دانشی بی‌واسطه و باکفایت می‌رساند...»، «نمی‌رساند» صحیح است؛
- صفحه ۱۵۹: در جمله «فیزیک و بیولوژی...»، «زیست‌شناسی» معادل جاف‌فاده‌ای برای «بیولوژی» است؛
- صفحه ۱۶۱: جمله «اگر یک مفهوم را به دو صورت سنجش عملی کنیم...» به ویرایش نیاز دارد؛
- صفحه ۱۷۴: در جمله «... روان‌شناسی معاصر، به‌رغم دغدغه علمی بودن...»، عبارت «دغدغه علمی داشتن» صحیح است؛
- صفحه ۱۸۲: یک‌نواختی نام کوچک نویسندگان در فهرست منابع رعایت نشده است. ترجمه برخی اصطلاحات به بازنگری نیاز دارد؛
- صفحه ۱۵: طبیعی‌گرایی (naturalism) اصطلاح رایج طبیعت‌گرایی است. بنیادی‌نگری (foundationalism) اصطلاح رایج بنیادگرایی است؛
- صفحه ۱۷: ایده پدیدآیی معادل ندارد؛

صفحه ۲۱: برنامه تندر و جامعه‌شناسی (strung program of sociology of scientific knowledge)، اصطلاح رایج برنامه قوی جامعه‌شناسی است.

#### ۴. ارزیابی نام کتاب

نام فارسی کتاب *فلسفه علم روان‌شناسی* است. به چند دلیل در این عنوان واژه «علم» اضافی به نظر می‌رسد:

۱. در مجامع علمی روان‌شناسی علم شناخته می‌شود و قید علم برای آن اضافی است؛
۲. عنوان *فلسفه روان‌شناسی* در زبان فارسی و انگلیسی (*philosophy of psychology*) کاملاً جاافتاده است؛
۳. قید علم در عناوینی هم چون «فلسفه علم تاریخ» یا «فلسفه علم اخلاق» ضروری است، از این نظر که آن را از عناوین دیگری هم چون «فلسفه تاریخ» و «فلسفه اخلاق»، که به لحاظ موضوعی با هم تفاوت دارد، متمایز کند. فلسفه تاریخ و فلسفه اخلاق معرفت‌های درجه اول و فلسفه علم تاریخ و فلسفه علم اخلاق معرفت‌های درجه دوم‌اند؛
۴. عنوان انگلیسی کتاب *Philosophy of Psychology* است که معادل فلسفه روان‌شناسی است؛

۵. نویسنده در چند جا در کتاب از عنوان «فلسفه روان‌شناسی» استفاده کرده و فلسفه روان‌شناسی را مورد خاصی از فلسفه علم دانسته است (ص ۲۴، ۲۷، ۳۲، ۳۳).

باتوجه به کتب دیگری که با عنوان فلسفه علم روان‌شناسی منتشر شده است، می‌توان احتمال داد نامی که برای این کتاب‌ها انتخاب شده، همان عنوان درسی است که در برنامه درسی روان‌شناسی در مقطع کارشناسی (بازنگری شده در سال ۱۳۹۱) آمده است. در صفحه ۵۵ این برنامه درس «فلسفه علم روان‌شناسی» با کد ۱۲۱ به عنوان دو واحد درس نظری اصلی معرفی شده است. با وجود این، عنوان انگلیسی این درس در این صفحه «*Philosophy of Science in Psychology*» درج شده است که احتمالاً منظور این بوده است که آن دسته از مباحث فلسفه علم، که مناسب رشته روان‌شناسی است، به دانشجویان تدریس شود. در این صورت، لازم است عنوان درس و کتاب‌های درسی مرتبط با این درس هم مطابق با عبارت انگلیسی آن یعنی «فلسفه علم در روان‌شناسی» تغییر یابد که این عبارت از دیدگاه فلسفه علم معادل همان «فلسفه روان‌شناسی» است.

به نظر می‌رسد، عنوان فلسفه روان‌شناسی برای این درس کفایت می‌کند و قید علم در فلسفه علم روان‌شناسی اضافی است.

البته نویسنده در دو جا سعی کرده است عنوان «فلسفه علم روان‌شناسی» را موجه نشان دهد. از جمله در صفحه ۲۴ آورده است: «از آن‌جا که فلسفه روان‌شناسی به معانی مختلفی به کار می‌رود، تعریف آن ما را ناگزیر خواهد کرد که مفاهیم مرتبط دیگر با آن را توضیح دهیم. مراد اصلی از فلسفه روان‌شناسی در این کتاب 'فلسفه علم روان‌شناسی' است...». توضیح این مطلب به تفصیل در صفحات ۳۰-۳۲ ذیل عنوان «مفاهیم مرتبط با فلسفه روان‌شناسی» آمده است:

اصطلاح 'فلسفه روان‌شناسی' به‌طور عمده به معنای فلسفه علم روان‌شناسی است... اما اصطلاح مذکور به معانی دیگری نیز به کار می‌رود... در این جا به دو معنای دیگر از فلسفه روان‌شناسی... اشاره می‌کنیم:

یکی از مفاهیم مرتبط 'روان‌شناسی فلسفی' است. علم‌النفس در اصطلاح فیلسوفان مسلمان نیز با همین مفهوم مرتبط است.

مفهوم مرتبط دیگر فلسفه ذهن است که خود یکی دیگر از معانی فلسفه روان‌شناسی است.

اما همان‌طور که نویسنده به‌خوبی عنوان بحث در صفحه ۳۰ را «مفاهیم مرتبط با فلسفه روان‌شناسی» بیان کرده است، روان‌شناسی فلسفی و فلسفه ذهن دو عنوان جاافتاده‌اند که هر چند اشتراک‌هایی با فلسفه روان‌شناسی دارند، به‌منزله دانش‌هایی متمایز از فلسفه روان‌شناسی شناخته می‌شوند که در این قسمت معرفی شده‌اند. به این ترتیب، بهتر است پاراگراف اول ذیل این عنوان حذف شود.

در نهایت می‌توان گفت شایسته‌تر آن بود که خسرو باقری همان عنوان جاافتاده فلسفه روان‌شناسی را به کار می‌برد و از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌خواست که عنوان فارسی و انگلیسی درس را در برنامه درسی بازنگری شده در سال ۱۳۹۱ اصلاح کند.

## ۵. ارزیابی تناسب فصول کتاب با سرفصل‌های مصوب

در صفحه ۵۵ برنامه درسی کارشناسی روان‌شناسی، مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هدف کلی درس «شناخت مبانی فلسفه علم روان‌شناسی معاصر و نقد آن‌ها» بیان شده است و سرفصل مطالب مصوب به شرح زیر است:



کلیات: تعریف، اهمیت، اهداف، و مفاهیم مرتبط (فلسفه ذهن و علم‌النفس)؛  
تاریخچه: زمینه‌های فلسفی روان‌شناسی در مکاتب فلسفی غرب (خردگرایی و  
تجربه‌گرایی)؛

موضوع روان‌شناسی: ناهمگرایی در موضوع، همگرایی در عملکرد؛  
فلسفه روش‌شناسی در روان‌شناسی: مشاهده، اندازه‌گیری، آزمایش، و تبیین در  
سطوح مختلف؛

فلسفه رفتارگرایی: محیط‌گرایی و عملیات‌گرایی؛  
فلسفه ذهن‌گرایی: گشتالت، پردازش اطلاعات؛  
فلسفه زیست‌روان‌شناسی (روان‌شناسی فیزیولوژیک: مغز و قشر خاکستری،  
هورمون‌ها، تکامل)؛

فلسفه رویکردهای اجتماعی: فرهنگ، طبقات اجتماعی، و جامعه‌پذیری؛  
هشیاری و تجربه ادراکی: وجوه تمایز در مسئله هشیاری، توجه، درون‌بینی،  
عواطف، و رؤیا؛

تفکر و زبان: نگاهی فلسفی؛

فناوری روان‌شناسی: روان‌شناسی بالینی، روان‌شناسی تربیتی، روان‌شناسی صنعتی - سازمانی.  
به نظر می‌رسد، فصول کتاب مورد بحث تناسب بسیاری با سرفصل‌های مصوب دارد.  
باقری در دو فصل اول فلسفه روان‌شناسی را تعریف کرده و اهمیت و اهداف آن را  
برشمرده و به مفاهیم مرتبط با فلسفه روان‌شناسی مانند فلسفه ذهن و علم‌النفس اشاره  
کرده است. ناهم‌گرایی در موضوع را به تفصیل در هفت فصل نشان داده است و به این  
منظور مباحث فلسفی در ارتباط با آگاهی و هشیاری، ذهن‌گرایی، شناخت‌گرایی،  
گشتالت، رفتارگرایی، عصب‌روان‌شناسی، و... را به تفصیل در فصول جداگانه مطرح کرده  
است. در ادامه روش‌های مختلف تبیین در روان‌شناسی را نیز به تفصیل در سه فصل بیان  
کرده است.

با وجود این، به نظر می‌رسد به برخی از سرفصل‌ها در این کتاب اشاره‌ای نشده است.  
برای نمونه:

۱. جا داشت در یک فصل به زمینه‌های فلسفی روان‌شناسی در فلسفه‌های غرب (مانند  
خردگرایی و تجربه‌گرایی) و هم‌چنین زمینه‌های اجتماعی پیدایش روان‌شناسی  
اشاره می‌شد؛

۲. به نظر می‌رسد، بحث نگاه فلسفی به تفکر و زبان، باتوجه‌به جایگاه آن در روان‌شناسی معاصر و سرفصل مصوب، نیز می‌بایست به محتوای کتاب اضافه شود؛

۳. از فناوری روان‌شناسی (روان‌شناسی بالینی، روان‌شناسی تربیتی، روان‌شناسی صنعتی — سازمانی) در کتاب بحثی به‌میان نیامده است. باتوجه‌به اهمیت مباحث فلسفه فناوری در کشور و شأن دوگانه علوم انسانی، ازجمله روان‌شناسی (شأن علمی و فناورانه) که علی‌پایا (۱۳۸۶) در مقاله خود با عنوان «ملاحظات نقدانه درباره دو مفهوم علم دینی و علم بومی» نیز به تفصیل به آن اشاره کرده است، شایسته بود این سرفصل نیز در کتاب مورد بحث قرار می‌گرفت.

## ۶. ارزیابی محتوای کتاب با سرفصل دروس مرتبط

در سرفصل مصوب درس فلسفه روان‌شناسی مباحث اساسی در روان‌شناسی ۲ (کد ۱۰۲) درس پیش‌نیاز معرفی شده است. از دیگر دروس مرتبط با این درس می‌توان به «تاریخ و مکاتب روان‌شناسی و نقد آن» (کد ۱۰۳) و «معرفت‌شناسی» (کد ۱۱۵) اشاره کرد.

باتوجه‌به این‌که لازمه فهم مباحث مطرح‌شده در فلسفه روان‌شناسی آشنایی دانشجویان با نظریه‌ها و مکاتب روان‌شناسی است، برای بهره‌مندی بیش‌تر دانشجویان بهتر است این درس در نیمه دوم دوره کارشناسی و زمانی ارائه شود که دانشجو درس‌هایی مانند «نظریه‌های شخصیت» و «نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی» را پشت‌سر گذاشته و با مکاتب مختلف روان‌شناسی آشنا شده است.

## ۷. ارزیابی محتوایی کتاب

به نظر می‌رسد که در برخی فصل‌های بخش دوم نویسنده بیش از حد لازم برای درس فلسفه روان‌شناسی مفاهیم و اصول نظریه یا رویکرد را شرح می‌دهد (مانند دیدگاه فروید یا مفاهیم گشتالت)، درحالی‌که انتظار می‌رود مفاهیم و اصول نظریه‌ها و رویکردهای روان‌شناسی در دروس مربوط به آن مطرح شود و این کتاب درسی بیش‌تر مبانی فکری نظریه‌پردازان در سه زمینه موضوع، روش، و هدف را مطرح کند.

در صفحه ۵ آمده است:

فلسفه علم به‌طور عمده با سه مقوله موضوع علم، روش علم، و هدف علم سروکار دارد. ساختار اصلی اثر حاضر نیز با نظر به این سه مقوله در روان‌شناسی، به بررسی موضوع، روش، و هدف علم روان‌شناسی اختصاص یافته است.

در حالی که در کتاب مورد بحث درباره موضوع روان‌شناسی در فصول سوم تا نهم و درباره روش روان‌شناسی در فصول دهم تا دوازدهم بحث شده است، اما فصل یا فصولی به هدف روان‌شناسی اختصاص نیافته است. شایسته است در ویرایش بعدی کتاب این نقص برطرف شود. گفتنی است، نویسنده در صفحه ۳۳ بیان کرده که منظور وی از «هدف روان‌شناسی» کاربردی بودن آن در زندگی انسان است. اما این معنا و سایر دیدگاه‌ها درباره هدف روان‌شناسی به وضوح و مستقل در کتاب بررسی نشده است.

در صفحه ۱۸ بهتر بود تمایز میان سه استعاره بهتر نشان داده می‌شد. اولاً تصویری که از استعاره فلسفه به منزله پرستار یا کنیز علوم ارائه شده به بازنگری نیاز دارد. در این استعاره، که از آن با عنوان فلسفه به منزله خادم علوم یاد شده است، کار فلسفه فقط گره‌گشایی‌های مفهومی و پاسخ به پرسش‌هایی است که علوم پیش می‌آورند. «فلسفه هم‌چون علم خام یا زودرس» نمی‌تواند استعاره فلسفه به منزله پرستار، کنیز، یا خادم علوم را نمایش دهد. «فلسفه هم‌چون علم خام یا زودرس» در مقابل استعاره «علم بالغ و پخته» قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، همان دو معنای زایش و تجزیه برای استعاره سوم کفایت می‌کرد.

نویسنده در صفحات ۲۵، ۲۶، ۲۹، و ۳۴ هدف یا رسالت فلسفه علم را توضیح می‌دهد که به نظر می‌رسد لازم است نوعی هم‌نوایی بین آن‌ها برقرار شود. برای مثال، در صفحه ۲۵ در پاسخ به این سؤال که فلسفه علم چه چیزی را مطالعه می‌کند، آمده است: بررسی تاریخ هر علمی تحلیل فعالیت‌های عالمان و در نتیجه استنباط پیش‌فرض‌های آن‌ها و سپس جنبه سوم یعنی ارزیابی فعالیت‌های علمی عالمان است.

اما در صفحه ۲۶ همین سه مورد با طرح سؤالاتی دیگر مطرح شده است. فیلسوفان علم با به‌کارگیری روش‌های توصیفی، تحلیلی، و ارزیابانه علم را مطالعه می‌کنند و برای پاسخ‌گویی به سؤالاتی در سه محور موضوع، روش، و اهداف از این سه روش استفاده می‌کنند. در ادامه در صفحه ۲۹ سه مقوله یا ابعاد سه‌گانه فلسفه علم روان‌شناسی این‌گونه معرفی شده است: تاریخچه، روش‌های پژوهش در روان‌شناسی، و هدف روان‌شناسی.

در صفحه ۴۱ آمده است: «از نظر وی حالات روانی و جسمی از حیث کیفی متفاوت، اما از لحاظ کمی یکی هستند. به عبارت دیگر، این دو دسته حالات متفاوت به نظر می‌رسند، اما در واقع یک چیز بیش نیستند». جمله اول مبهم و جمله دوم کاملاً واضح است و با توجه به وضوح جمله دوم، حذف جمله اول متن را مفهوم‌تر می‌کند.

در صفحه ۵۰، پاراگراف آخر ضرورتی ندارد و بهتر است حذف شود.

در صفحه ۱۰۰، نویسنده در جملات پایانی پاراگراف اول درباره ترکیب شیمیایی و ویژگی‌های کل مرکب و ویژگی مولکول آب توضیحاتی داده است که به نظر می‌رسد باید بازبینی و اصلاح شود.

در صفحه ۱۰۸، نویسنده درباره فطری بودن امور ذهنی سخن گفته است. به نظر می‌رسد باتوجه به این که فطرت مفهومی کاملاً دینی است، واژه ذاتی برای این منظور و جایگاه مناسب‌تر است.

## ۸. مقایسه کتاب با کتاب‌های مشابه

همان‌طور که در مقدمه نیز اشاره شد، به جز کتاب مورد بحث، نه کتاب دیگر با عنوان «فلسفه روان‌شناسی» یا «فلسفه علم روان‌شناسی» منتشر شده است. در این میان، فقط کتاب *فلسفه روان‌شناسی و نقد آن*، اثر بونژه و آردیلا (۱۳۹۸)، چاپ دوازدهم، در مصوبه درس فلسفه علم روان‌شناسی منبع اصلی معرفی شده است و بر همین مبنای کتاب‌هایی که به منزله آمادگی دانشجویان برای آزمون این درس تدوین شده‌اند، عمدتاً از این کتاب بهره گرفته‌اند. با وجود این، کتاب *فلسفه روان‌شناسی و نقد آن* به دو دلیل نمی‌تواند منبع مناسبی برای درس فلسفه روان‌شناسی در مقطع کارشناسی باشد:

۱. این کتاب با هدف کتاب درسی نوشته نشده است. حجم و قیمت آن نیز برای کتاب درسی دوواحدی در دوره کارشناسی مناسب نیست (کتاب باقری ۱۷ هزار تومان و آخرین چاپ کتاب بونژه و آردیلا ۷۵ هزار تومان است)؛

۲. انتظار می‌رود محتوای کتاب درسی دانشگاهی کاملاً بدون سوگیری به مکتب و گرایش خاصی نگاشته شود و همه رویکردها و مکاتب روان‌شناسی بالسویه طرح شوند، اما برخلاف این انتظار، نویسنده به‌طور واضح از دیدگاه مادی‌گرایانه و به تبع آن از رویکرد عصب‌روانشناختی و روان‌شناسی زیستی حمایت کرده است و رویکردهای دوگانه‌گرا و مانند آن را منسوخ می‌داند.

کتاب‌های دیگری هم که با عنوان «فلسفه علم روان‌شناسی» نوشته شده‌اند، همگی به سال‌های اخیر و پس از تصویب سرفصل‌های این درس (۱۳۹۱) مربوط بوده‌اند. گفتنی است، در حال حاضر کتاب‌های حسن دلقندی (۱۳۹۸)، سید سلیمان حسینی و عبدالخالق فلاحی (۱۳۹۵)، و مجتبی عقیلی آشتیانی (۱۳۹۱)، پس از جست‌وجو در بازارهای کتاب (از جانب نویسنده این مقاله) در دست‌رس نبودند. کتاب حسین سلیمانی آملی (۱۳۹۸) از

نظر تناسب فصل‌های کتاب با سرفصل مصوب وزارت علوم و نیز محتوای کتاب بسیار ضعیف است و با کتاب خسرو باقری مقایسه‌شدنی نیست.

با بررسی‌ای مختصر، به نظر می‌رسد کتاب سعید عبدالملکی (۱۳۹۷)، در مقایسه با کتاب باقری، از نظر عناوین فصل‌ها با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم تناسب بیش‌تری دارد. برای مثال عبدالملکی ریشه‌های فلسفی روان‌شناسی، فلسفه رویکردهای اجتماعی، تفکر و زبان با نگاه فلسفی، و فلسفه کاربرد روان‌شناسی را در فصل‌های مجزا در کتاب خود آورده است. بنابراین برای تکمیل کتاب درسی حاضر، با توجه به نقاط قوتی که کتاب عبدالملکی دارد، لازم است در مقاله دیگری محتوای کتاب عبدالملکی و بررسی تطبیقی محتوای کتاب‌های بونژه، عبدالملکی، و باقری را مدنظر قرار دهیم. هم‌چنین انتظار می‌رود در ویراست‌های بعدی برخی دیگر از مباحث، که در سرفصل مصوب به آن‌ها اشاره شده است، به کتاب افزوده شود و اشکالات مطرح‌شده در مقاله حاضر برطرف شود.

## ۹. پیش‌نهادهایی برای بهینه‌سازی سرفصل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در درس فلسفه روان‌شناسی

پارادایم در علوم اجتماعی و علوم انسانی به معانی مختلفی از جمله جهان‌بینی، موضع معرفت‌شناختی، و باورداشت‌های مشترک در یک حوزه پژوهشی به کار می‌رود که معنای جهان‌بینی وسیع‌ترین تعریف را شامل می‌شود و دربرگیرنده باورها، ارزش‌ها، روش‌ها، و غیره است (محمدپور ۱۳۹۸).

به نظر می‌رسد، برای فهم بهتر و جامع‌تر فلسفه روان‌شناسی، بهتر است ابتدا دانشجویان با پارادایم‌های مختلف در حوزه علوم انسانی از جمله روان‌شناسی آشنا شود. برای مثال پارادایم‌هایی که محمدپور (۱۳۹۸) به صورت نسبتاً جامع در کتاب روش در روش آورده است، به طور خلاصه ارائه شود و سپس پارادایم‌های غالب بر مبنای فکری نظریه‌های مختلف روان‌شناسی از حیث موضوعی و نیز رویکردهای مختلف تحقیقاتی از حیث روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی تحلیل و بررسی شود. این روش چند مزیت دارد:

۱. دانشجویان در دروس دیگر دوره کارشناسی نظریه‌های مختلف روان‌شناسی (از ابتدا تا کنون) را فقط از حیث مفاهیم، اصول، و فنون آن مطالعه می‌کنند و به این ترتیب در این درس می‌توانند هر نظریه را مجزا و از حیث مبنای فکری نظریه‌پردازان آن مطالعه کنند، درحالی‌که در شیوه کنونی ارائه سرفصل‌های وزارت علوم و از جمله کتاب باقری، عملاً

برخی پارادایم‌ها و برخی نظریات به صورت ترکیبی مطرح می‌شوند و به برخی رویکردها و نظریه‌های مطرح در کتاب‌های مربوط به روان‌درمانی و مشاوره اشاره نمی‌شود؛

۲. برخی نظریه‌های روان‌شناسی عملاً از پارادایم‌های مختلف متأثر شده‌اند و با این شیوه ارائه بحث می‌توان پارادایم‌های مؤثر در هر نظریه را به صورت واضح‌تری بررسی کرد؛

۳. دانشجویان در درس روش تحقیق عمدتاً فقط روش‌های مختلف پژوهش را فرامی‌گیرند، درحالی‌که در این روش می‌توان درباره پارادایم‌های غالب در هر روش پژوهشی در قسمت روش‌شناسی پژوهش بحث کرد؛

۴. به این ترتیب، با نظم‌دهی بیش‌تر و مشخص کردن پارادایم‌های غالب در مبانی فکری نظریه‌پردازان مختلف و روش‌های گوناگون پژوهشی در روان‌شناسی، درس فلسفه روان‌شناسی برای دانشجویان ملموس‌تر، عینی‌تر، و جذاب‌تر خواهد شد؛

۵. هم‌چنین به نظر می‌رسد، در این روش دیگر نیاز نیست کتاب *فلسفه روان‌شناسی* به محتوای تفصیلی نظریه‌ها از نظر مفاهیم و اصول بپردازد، زیرا این مطالب در دروس دیگر رشته روان‌شناسی مطرح می‌شود، بلکه باید بیش‌تر مبانی فکری هر نظریه‌پرداز و هر مکتب یا رویکرد روان‌شناسی مورد توجه قرار گیرد. چنان‌که در برخی فصل‌های کتاب مورد بررسی در این مقاله نیز این مورد مشاهده می‌شود (قبلاً بدان اشاره شد) که ضروری به نظر نمی‌رسد و تکرار مباحث درس‌های دیگر رشته روان‌شناسی است.

## ۱۰. نتیجه‌گیری

بی‌شک اگر قرار باشد تحولی در عرصه علوم انسانی رخ دهد، باید دانشجویان هریک از رشته‌های علوم انسانی با تاریخچه پیدایش و تحولات علم خود و هم‌چنین با مبانی فلسفی و روشی علم خود به دقت آشنا باشند. درپی تصویب درس «فلسفه علم روان‌شناسی» برای دوره کارشناسی روان‌شناسی، چندین کتاب راه‌نمای سؤالات امتحانی درس «فلسفه علم روان‌شناسی» تدوین شد که عمدتاً از کتاب *فلسفه روان‌شناسی و نقد آن*، اثر بونژه و آردیلا، (۱۳۹۸) بود. درمیان چند کتاب تألیف‌شده در داخل کشور، با عنوان «فلسفه علم روان‌شناسی»، کتاب خسرو باقری (انتشار سمت) درحال حاضر به منظور یکی از کتاب‌های درسی برای این عنوان مصوب ارزیابی می‌شود.

باتوجه به نکاتی که در مقاله به آن اشاره شده است، به نظر می‌رسد در ویرایش بعدی لازم است که کتاب حاضر از چند نظر اصلاح و تکمیل شود:

۱. عنوان کتاب «فلسفه روان‌شناسی» شود؛
۲. به تناسب سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دو تا سه فصل به کتاب اضافه شود؛
۳. تعداد صفحات کتاب به حدود ۲۵۰ الی ۲۸۰ صفحه افزایش یابد؛
۴. اشکالات نگارشی و ویرایشی برطرف شود؛
۵. اشکالات محتوایی اصلاح شود.

باتوجه به توانایی علمی نویسنده کتاب، موقعیت ایشان در دانشگاه، و هم‌چنین جایگاه انحصاری سازمان سمت در تدوین کتاب درسی برای رشته‌های علوم انسانی، اگر چندین جلسه نقد و بررسی درباره این کتاب تشکیل شود و اساتیدی که کتاب حاضر را تدریس کرده‌اند، اشکالات آن را در قالب ساختاری که سازمان سمت یا نویسنده معرفی می‌کند به اطلاع نویسنده برسانند و هر سال ویرایش جدیدی از کتاب ارائه شود، پس از چند سال به کتاب درسی منحصر به فردی برای درس «فلسفه روان‌شناسی» خواهیم رسید.

باتوجه به این‌که برای تحول علوم انسانی در هر زمینه لازم است ابتدا مکاتب و نظریه‌های موجود از نظر مبنا و مفاهیم بررسی و نقد شوند، این دست کتاب‌ها می‌تواند بسترهای مورد نیاز برای این تحول را فراهم کند. اما اگر قرار باشد تحولی که در علوم انسانی و اجتماعی (در این جا روان‌شناسی) ایجاد می‌شود، تحولی در جهت دین باشد و بتواند جامعه علمی کشور (جامعه روان‌شناسان) را به مقصد علوم انسانی اسلامی راه‌نمایی کند، لازم است از منظر اسلامی و با بهره‌گیری از آیات و روایات و دانش‌های اسلامی (نظیر کلام، فلسفه، و عرفان اسلامی)، مکاتب و رویکردهای موجود در علوم انسانی از جمله روان‌شناسی نقادی شود. به این ترتیب، می‌توان به نویسنده پیش‌نهاد داد که قسمت بحث و بررسی هر فصل را با اضافه کردن نقدهایی از زاویه اسلامی تکمیل و پر بارتر کند. چنین کتابی تجربه‌ای برای تدوین کتاب‌های درسی دیگری خواهد شد که برای زمینه‌سازی تحول علوم انسانی و دستیابی به علوم انسانی اسلامی به آن‌ها نیاز داریم.

## کتاب‌نامه

- باقری نوع‌پرست، خسرو (۱۳۹۸)، *فلسفه علم روان‌شناسی*، تهران: سمت.  
بونزه، ماریو و روبین آردیلا (۱۳۹۸)، *فلسفه روان‌شناسی و نقد آن*، ترجمه و نقد محمدجواد زارعان و همکاران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۷۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیستم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۹۹

پایا، علی (۱۳۸۶)، «ملاحظات نقادانه درباره دو مفهوم علم دینی و علم بومی»، حکمت و فلسفه، دوره سوم، ش ۱۰-۱۱.

حسینی، سیدسلیمان و عبدالخالق فلاحی (۱۳۹۵)، فلسفه علم روان‌شناسی، زاهدان: تجربه نو.

دلغندی، حسن (۱۳۹۸)، فلسفه علم روان‌شناسی، مشهد: تاک کتاب.

سرخه، زینب و محمدرضا تعویقی (۱۳۹۶)، فلسفه علم روان‌شناسی، کرج: مهاتما گاندی.

سلیمانی آملی، حسین (۱۳۹۸)، فلسفه علم روان‌شناسی، تهران: زوار.

عباسی، یاسمین (۱۳۹۶)، فلسفه علم روان‌شناسی، کرج: بیدار.

عبدالملکی، سعید (۱۳۹۷)، فلسفه علم روان‌شناسی، تهران: طلایی.

عقبلی آشتیانی، مجتبی (۱۳۹۱)، فلسفه علم روان‌شناسی، گرگان: محتومقلی فراغی.

گروه مؤلفان محام (۱۳۹۶)، فلسفه علم روان‌شناسی، کرج: دانش محام.

محمدپور، احمد (۱۳۹۸)، روش در روش؛ درباره ساخت معرفت در علوم انسانی، تهران: لوگوس.

میرتبار درزی، سیدتراب (۱۳۹۵)، راهنما و بانک سؤالات امتحانی فلسفه روان‌شناسی و نقد آن، تهران: خردمندان.

وحیدی، نغمه و زینب اصالتی (۱۳۹۸)، کتاب طلایی فلسفه علم روان‌شناسی، تهران: مؤلفان طلایی.